

در جلسه نقد و بررسی «عشق بدون تجریش» مطرح شد؛

بخشی از تاریخ معاصر در رمانی خوش خوان و قصه گو



نشست نقد و بررسی «عشق بدون تجریش» آخرین رمان جواد ماهزاده با حضور نویسندگان عالیله عطایی، فرشته نوبخت و علی شروقی به صورت مجازی برگزار شد.

به گزارش ایبنا، رمان «عشق بدون تجریش» نوشته‌ی جواد ماهزاده به همت نشر مانوش منتشر شده است. این ششمین رمان جواد ماهزاده بعد از «خنده از من بگیر»، «لاله مونی»، «وداع در آل مارتینو»، «رحانه دختر نرگس» و «باغ رویان» است.

در ابتدای این نشست، جواد ماهزاده، نویسنده‌ی رمان، گفت: «عشق بدون تجریش» رمانی درباره‌ی زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی چند نوجوان است که در طبقه‌ی زیر متوسط زندگی معمولی‌ای را در تهران سپری می‌کنند. حوادث در آغاز دهه‌ی ۷۰ روی می‌دهد و شرحی از زندگی روزمره‌ی این شخصیت‌ها در رمان ارائه می‌شود. او در ادامه بخشی از رمان خود را خواند.

شهر به منزله‌ی بستری جغرافیایی

عالیه عطایی در این نشست گفت: شخصیت‌های این کتاب عشق و عاشقی را همراه با بلوغ تجربه می‌کنند. آنچه «عشق بدون تجریش» را برای من بارز می‌کند، نگاه‌هایی است که به شهر به منزله‌ی بستری جغرافیایی دارد. معمولاً درباره‌ی کارهایی که در ادبیات ایران انجام می‌شود یا می‌خواهد به اقلیم یا جغرافیا توجه شود، شاخصه‌هایی را در نظر می‌گیرند که آن طور نیست که اتفاقاً حاجز در بستر آن در جای دیگری نتواند بیفتد. خیلی مواقع اگر شیراز یا تهران عوض شود، هیچ اتفاقی برای شخصیت‌های داستان نمی‌افتد. اما در کتاب ماهزاده شهر در نقش ماهیتی داستانی مطرح است. تهرانی بودن مزیت نیست بلکه ویژگی است.

او ادامه داد: همچنین نگاه ماهزاده

به فقر را دوست داشتیم. در داستان فقر به منزله‌ی عاملی استفاده نمی‌شود که چرک بشود، بلکه فقر هم مثل جغرافیا ویژگی ایسن آدم‌هاست. بعضی جاها شیرینی و طعنه موجود در کلام و فقر را مثل رنج‌فروشی به نمایش گذاشتن ماهزاده من را به یاد «قصه‌های مجید» هوشنگ مرادی کرمانی می‌انداخت. اینجا فقر ویژگی آن آدم‌هاست و مافقر و در کنار آن شادی‌های آنها را نیز می‌بینیم و در کمالی که کنی؛ یعنی نگاه تلخی به فقر وجود ندارد. در عین حال، روایت این قدر واقع‌گرا ارائه پیش می‌رود که تلخی خود را نیز به‌جامی گذارد.

او بیان داشت: طعنه جواد ماهزاده ویژگی پررنگی در کار اوست. این طعنه هم طعنه موقعیت است و هم طعنه کلام. به نظر می‌آید ماهزاده از این لحاظ نویسنده‌ی بسیار باحوصله، پرکار و متمركزی است. در مقام نویسنده وقتی کار این نویسنده را می‌خوانم متوجه استمرار او در امر نوشتن می‌شوم که بسیار هیجان‌انگیز است. در واقع، او نویسنده‌ی بی‌سروصدایی دارد. امیدوارم آثارش خواننده شود. چرا که یکی از بهترین نویسندگان نسل ماست.

عطایی ادامه داد: ماهزاده تلاش می‌کند زبان را خیلی ساده به نمایش بگذارد. او تلاشی برای زبان‌ورزی نمی‌کند و این در چنین بافتی از داستان بسیار جذاب است. اینجا، به همان اندازه که به قصه و به پلات فکری می‌شود، به زبان قصه نیز فکر می‌شود. او به‌عبدی به نمایش گذاشتن موقعیت وارد کلمات و توصیفات ساده می‌شود. این کتاب ریتیم بسیار درستی دارد.

نویسنده تأکید کرد: من شخصاً داستان نویسی را فاقد رسالت می‌بینم زیرا این اتفاق در خودش می‌افتد و نویسنده نمی‌خواهد چیزی را خارج از آن متن صادر یا اندیشه‌ی رابیان کند. ماهزاده بسیار قصه‌گوست و ما در خلال قصه بسیاری

از موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی را در ک می‌کنیم. او زمانه‌ی خودش را بدون اطلاعات فروشی و شلاق زدن بیان می‌کند که در نظر من کار بسیار جذابی است. فکر می‌کنم دیالوگ نویسی بیش از این هم جای کار داشت. جاهایی سطح دیالوگ از سطح متن پایین تر می‌آید، ولی در کل جزء بهترین رمان‌هایی بوده است که در یک سال اخیر خوانده‌ام. خیلی کیف کردم و خواندنش به قدری شیرین بود که بعد از مدت‌ها احساس کردم، واقعاً دارم قصه می‌خوانم و یکی دارد قصه‌ی خوبی برام تعریف می‌کند. این موضوع می‌تواند مخاطب ما را ابدیتاً پیوند دهد؛ یعنی آن چیزی که می‌خواند هم ادبیاتی سطح پایین نیست و هم قصه می‌گوید، چرا که معمولاً این دو با هم سخت به دست می‌آیند. معمولاً قصه‌ها خیلی دم‌دستی به موضوعاتی مثل عشق، جنگ، خیانت می‌پردازند. حول این تم‌ها داستان زیاد گفته می‌شود، ولی این توان هر نویسنده‌ای نیست که قصه‌ای را تعریف کند که بر تمی استوار است که آن تم در ذهن ما معنی و پیش‌فرضی دارد. ماهزاده در «عشق بدون تجریش» پیش‌فرض فقر، پایین شهر و مرکز شهر را در ذهن مامی‌شکند و این کار را خیلی سهل و ممتنع می‌کند.

او بازی‌های روایی خیلی عجیبی نمی‌کند. من این را قدرت متن می‌دانم.

عشق بدون تجریش: سندی تاریخی

فرشته نوبخت ضمن اشاره به اینکه همیشه مخاطب و طرفدار آثار ماهزاده بوده است و همین سخن گفتن درباره‌ی رمان او را قدری دشوار می‌کند، گفت: ویژگی حائز اهمیت آثار ماهزاده که توجه او به مسائل تاریخی و اجتماعی و پیوند آن با روزمرگی و روایت‌های خرد شخصیت‌هاست که در این اثر به‌نظم خیلی زیاده‌ای تر بروز پیدا کرده است. در آثار قبلی او نیز این به

شکل نوعی سبک حفظ شده است، ولی در این اثر شکل و حالتی استعاری پیدا کرده است. او ادامه داد: در «عشق بدون تجریش» در ظاهر با داستانی روبه‌رویم که از لحاظ ساختاری بسیار محکم و خوش ساخت است، شخصیت پر دازی‌های درستی دارد، ریتم داستان به درستی تانتها حفظ شده است و مشخص است که نویسنده کاملاً بر روایت خود مسلط بوده است. در این رمان، زبان کاملاً پیندا شده است؛ یعنی از طرف نویسنده درک و در متن پیاده شده است. لحن روایت یکدست است. شخصیت پر دازی‌ها کاملاً باور پذیر و در پیوند با داستان یکدست و منسجم‌اند. قصه‌ای وجود دارد که ما را همراه خودش می‌کشاند و پایه یا داستان پیش می‌برد. به نظر من، این به‌خودی خود نوعی تمهیت و کمال به‌رمان می‌دهد. ما با چیزی خیلی عجیب‌غریب و پیچیده روبه‌رو نیستیم، بلکه با قصه‌ای مواجهیم که ساختار قوی و محکمی دارد و همه چیز در آن به قاعده است و چنانچه مخاطب این داستان قرار بگیریم و بتوانیم با فضای آن ارتباط برقرار کنیم، از خواندن این قصه لذت می‌بریم که این به‌خودی خود برای خوب تلقی کردن یک اثر ادبی کفایت می‌کند.



او ادامه داد: اما این تمام «عشق بدون تجریش» نیست. این رمان متن دیگری هم دارد که در پیوند با آن قرار می‌گیرد و آن متن جامعه، تاریخ و واقعیت‌های رئالیستی‌ای است که هر یک از ما در تاریخ آن را تجربه کردیم. کار شگفت‌انگیز نویسنده این است که توانسته بین آن متن (متن تاریخ و وقایع اجتماعی) با متن داستان خود پیوند برقرار بکند و از طریق این پیوند زیرمتنی را شکل بدهد و بسازد که هر مخاطبی بنا بر تجربه و شکل رویارویی خودش با تاریخ بتواند با آن زیرمتن و جهان معنایی داستان ارتباط برقرار کند.

این نویسنده ادامه داد: ماهزاده قصه را با شلوغی خاصی آغاز می‌کند. شخصیت‌های داستان هر کدام خواهر و برادر دوستانی دارند که خود این دوستان خواهر و برادرهای دارند و مکان داستان

محل‌های شلوغ از شهر تهران است که انگار در زیرمتن به ناخودآگاه جمعی ما اشاره دارد. در ادامه آرام آرام شاخ و برگ‌ها می‌ریزد و آن شلوغی و اغتشاش ذهنی و متنی به سمت نوعی سکون و فردیت حرکت می‌کند و فرآیند فر دانیست در داستان به شکل نمادین در قصه دیده می‌شود. تمام اینها در سطح قصه‌ای درست چیده شده و حرکت می‌کند، ولی معناها را در آن زیرمتن می‌سازد. حرکت نویسنده، جای درستی که داستان را به پایان می‌رساند (اینکه هم شخصیت را در آستانه‌ای قرار می‌دهد هم خود داستان را در آستانه‌ای تاریخی متوقف می‌کند و می‌گذارد داستان در ذهن مخاطب ادامه پیدا کند) در این داستان دستاوردی بسیار شگفت‌انگیز است. برای همین می‌توانید این داستان را سندی تاریخی هم به‌شمار آورید، بدون اینکه خودش ادعای این را داشته‌باشد.

بدون نگاه سانسوری

علی شروقی نیز در ادامه این نشست گفت: «عشق بدون تجریش» نقطه‌ی قوت این رمان پایان فوق‌العاده‌ی آن است. این خیلی اهمیت دارد؛ چرا که بیشتر اوقات رمان‌ها به سبب پایان بندی‌های ضعیف‌شان نقد می‌شوند. اگر کسی ۲۰ صفحه‌ی پایانی این رمان را بخواند، برداشتی یکسره متفاوت از آن خواهد داشت. این رمانی است که حتماً باید آن را آخر خواند چون آن ضربه‌ی پایانی کل حوادث و ماجراهای این داستان پسر نوجوانی به‌نحوه‌ی معنا می‌کند. ایسن معنا کردن البته به این معنی نیست که رابطه‌ی علی کلاسیکی بین این حوادث پشت سر هم برقرار است. چون رمان تا قبل از اینکه به اوج پایانی برسد مجموعه‌ای است از خرده روایت‌ها. تا قبل از اینکه اینها در پایان معنی‌یابند، انگار سلسله‌قصه‌های کوتاهی را می‌خوانیم که به هم پیوسته‌اند.

به همین دلیل می‌گویم، اگر کسی پیش از این نقطه‌ی پایانی رمان را کنار بگذارد و در دریافت متفاوتی از رمان غرقیم و روایت این آدم را مرور می‌کنیم و نشانه‌ها را در می‌یابیم. او در پایان گفت: به نظر من، خرده روایت‌ها و داستان‌های فرعی در رمان به قدری زیادی است که به رمان آسیب زده است. اگر مقداری از حجم خرده روایت‌ها کم می‌شد و تمرکز فقط بر داستان‌های فرعی مرتبط تر با رابطه‌ی چند دوست قرار می‌گرفت، چه بسا ما با رمان منسجم‌تری روبه‌رو بودیم. اگر چه در همین حالت هم این رمان با پایان کنونی نقطه‌قوتی دارد. اما اگر بیشتر از خط اصلی داستانی حرکت می‌کرد کمتر گریز می‌زد و برخی خرده روایت‌ها را حذف می‌کرد ضربه‌ی پایانی قدرتمندتر بود و مخاطب مسیر روشن‌تری را طی می‌کرد.

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseirani.ir
ایمیل: toseirani@gmail.com

تجسمی

فروش ۴۲ میلیاردی چهاردهمین حراج تهران



چهاردهمین حراج تهران با اجرای حسین پاکدل و فروش ۴۲ میلیارد و ۷۱۸ میلیون تومانی آثار به کار خود پایان داد. به گزارش هنر آنلاین، چهاردهمین حراج تهران ویژه هنر معاصر ایران که به دلیل محدودیت‌های کرونا یک بار به تأخیر افتاده بود، سرانجام با حضور تعداد اندک علاقه‌مندان در سالن حراج و پخش زنده اینترنتی صورت گرفت و همه ۱۱۲۰ اثری که ارائه شده بود به فروش رفت. در حراج چهاردهم، تنها هشت اثر میلیاردی شد و در نهایت فروش کلی ۴۲ میلیارد و ۷۱۸ میلیون تومان به دست آمد. گران‌قیمت‌ترین اثر چهاردهمین حراج تهران متعلق به رضا درخشانی بود. این اثر با عنوان «روز و شب را می‌شمارم، روز و شب» که ۳ تا ۴ میلیارد تومان برآورد قیمت شده بود ۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان چکش خورد. در رتبه دوم اثری از وای. زی. کامی (کامران یوسف زاده) با عنوان «گنبد آبی» قرار گرفت که ۴ میلیارد و شش صد میلیون تومان فروخته شد. اثری از فرهاد مشیری با عنوان «مار زها» با قیمت ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان در رتبه سوم قرار گرفت. پس از آن تابلوی «امیراتور مطرد» اثر واحد خاکدان قرار گرفت که یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان چکش خورد. در رتبه پنجم تابلوی «بندبازها» اثر آویش خیره زاده قرار گرفت که ۸۰۰ تا یک میلیارد و ۲۰۰ برآورد قیمت شده بود و یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان چکش خورد. اثر بدون عنوان محمود زنده‌رودی از مجموعه کرامت انسانی که ۴۰۰ - ۲۰۰ میلیون تومان برآورد قیمت شده بود یک میلیارد و صد میلیون تومان فروخته شد. تابلوی «هجرت طلایی» اثر رضا درخشانی یک میلیارد و صد میلیون تومان به فروش رفت. تابلویی از قاسم حاجی زاده نیز یک میلیارد و صد میلیون تومان چکش خورد.

گردشگری

ضرغامی، از «جام جم» تا «ارگ آزادی»



شاید پرچالش‌ترین خبر این روزهای حوزه گردشگری، معرفی «سیدعزت‌الله ضرغامی» به عنوان وزیر پیشنهادی رئیس‌جمهور برای صادرات وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی باشد. سیدعزت‌الله ضرغامی طبق برنامه تنظیم شده برای ارائه برنامه‌های خود به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی خواهد رفت و برنامه‌های خود را تشریح خواهد کرد. غلامرضا منتظری نماینده مردم گرگان و آق قلا در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی ایرنا درباره سیدعزت‌الله ضرغامی گزینه پیشنهادی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، گفت: ایشان با توجه به سوابق و تجرب موفق که در حوزه فرهنگ در زمانی که معاون سینمایی و معاون پارلمانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بودند و همچنین زمانی که ریاست رسانه ملی را به عهده داشتند، ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی دارند که بعید می‌دانم برای کسب نظر مساعد نمایندگان و رای اعتماد از مجلس و همچنین در مدیریت وزارتخانه با مشکل روبه‌رو شوند. وی افزود: اگر چه مدیریت بخش گردشگری کاملاً تخصصی است و ابعاد اقتصادی و اجتماعی هم دارد، اما آقای ضرغامی می‌تواند با انتخاب معاون و مدیران فنی و تخصصی در این حوزه، کاستی و چالش احتمالی را برطرف کند و عملکرد موفق داشته‌باشد.



در گذشتگان در اثر این بیماری همه گیر نشان می‌دهد این تصمیم برخلاف نظر برخی منتقدان مطلقاً بی‌راه نبوده و برای تصمیم‌گیری‌ها هیچ شاخصی مهمتر از حفظ سلامت و جان مردم نیست. بی‌شک این دست تصمیم‌گیری‌ها دشوار است. به هر روی ایام عزا به همراه تعطیلی عمومی کشور منجر به یک سکون موقتی شده است.

زنده از پلنفرم‌های مختلف پخش شدند. اما نکته جالب نزاع نقدی میان موافقان و مخالفان سیاست‌های قادر آشناست. در روزهای تعطیلی ماه پیش، سالن دارهای خصوصی با تعطیلی دستوری آشنا مخالفت کردند. استدلال آنان به باز بودن سینماها در آن ایام بود. اما صبح شنبه، ۲۳ مرداد سایت ایران تئاتر، وابسته به اداره کل هنرهای نمایشی، در مقاله‌ای با عنوان «منتقدان سرسخت دیروز موافقان همراه امروز» به مخالفان آشنا حمله کرده است. این حمله در پی انتقاد برخی منتقدان آشنا در تعطیل نکردن تئاتر در پیک پنجم کرونا است. نویسنده این مقاله در جایی نوشته است «به هر تقدیر، امروز که حدود یک ماه از این اقدام درست و قانونی اداره کل هنرهای نمایشی در مورد تعطیلی تماشاخانه‌های تئاتر در سراسر شهرهای قرمز کشور می‌گذرد، بررسی شرایط و آمار

تعطیلی دوباره تئاترها در آستانه عاشورای حسینی

منتشر کرده است و طبق آن، سالن‌های نمایش کشور هم‌زمان با ایام سوگوار ی سید و سالار شهیدان امام حسین (ع) تعطیل خواهند بود. تماشاخانه‌های مختلف از روز سه‌شنبه ۲۶ تا شنبه ۳۰ مرداد ماه اجرا نخواهند داشت. هم‌اکنون بیشتر سالن‌های دولتی و خصوصی مشغول به فعالیت هستند. برخلاف سال‌های گذشته نیز دفتر تئاتر دینی اداره کل هنرهای نمایشی برنامه‌ای برای برپایی تیز به در اطراف تئاتر شهر یا پهنه رودکی ندارد، اگر چه به نظر می‌رسد این دفتر قصد دارد جشنواره صاحب‌دلان را امسال برگزار کند. خبرهایی از بنیاد رودکی نیز شنیده می‌شود مبنی بر برنامه‌های این بنیاد با مدیریته مهدی افضل برای برپایی برنامه‌های ویژه محرم و صفر. پهنه رودکی سال گذشته نیز میزبان چند تیز به بود که به صورت

این روزها که سوپه دلنای کرونا بخش عظیمی از کشور را فرا گرفته است، سالن‌های تئاتر کماکان به فعالیت خود ادامه می‌دهد. پس از اختلاف نظر سالن‌داران با قادر آشنا، مدیر کل هنرهای نمایشی، در تعطیلی ماه گذشته و در آستانه آغاز سوپه دلنا، این بار او درخواستی یا دستوری برای تعطیلی سالن‌های تئاتر نداده است. این در حالی است که طبق دستورالعمل ستاد مبارزه با کرونا در مناطق قرمز مشاغل دسته دوم از جمله تئاتر می‌بایست تعطیل شوند؛ اما تا به امروز این اتفاق رخ نداده است. حال پس از گذشت چندین روز از افزایش چشمگیر مرگ و میر هاناشی از کرونا نافر است سالن‌های نمایش طبق سنت همیشگی در آستانه عاشورای حسینی تعطیل می‌شوند. این خبر را روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی

تئاتر